



## اشاره:

با طرح لایحه فقرزدایی از سوی دولت و برنامه‌ریزی به منظور کاهش فقر و زدودن آن از زندگی قشرهای آسیب‌پذیر جامعه بحث پیرامون فقرزدایی کانون توجه محافل دانشگاهی و مجامع علمی و کارشناسی واقع شد و نشستها و سمینارهایی در این خصوص برگزار گردید. در این رابطه دانشکده اقتصاد علامه طباطبائی نیز اقدام به برگزاری سمینار فقرزدایی نمود. این سمینار در روزهای مختلف آذرماه سال جاری برگزار شد و طی آن مقالاتی در خصوص فقر و فقرزدایی از سوی محققان و صاحب‌نظران ارائه گردید. آنچه در ذیل می‌آید سخنرانی آقای صادقی تهرانی است که با عنوان فقر و فقرزدایی انجام شد. در فرصت‌های آتی نیز به درج بعضی از این سخنرانها در مجله خواهیم پرداخت.

# فقر از دیدگاه تفکر اسلامی



کاستی می‌بیند. دقت و تأمل مجدد کند. در این صورت، به گفته قرآن مشاهده مکرر او را نسبت به داورى عادلانه نخستین سر‌مسار می‌کند.  
فارجع البصر هل ترى من فطور - ثم ارجع البصر  
کر تین ینقلب الیک البصر خاسئاً و هو حسیر

(سوره ملک آیه ۳ و ۴)

در بینش اسلامی، انسان جانشین خداوند در زمین است، تا آن را آباد کند و منابع را از استعداد بالقوه به قدرت بالفعل در آورد و در بر طرف کردن نیازمندیهای حیات، از آنها بهره‌مند شود. اما توانایی انسان در بهره‌برداری از طبیعت محدود می‌باشد و با توجه به این محدودیت است که انسان مجبور است، روشهای بهینه‌ای در تولید و توزیع انتخاب کند. لذا، مؤمن موظف به رعایت نکات زیر است:

۱- دقت در استفاده هر چه کارآتر از طبیعت؛  
توزیع عادلانه منابع، چه قبل و چه بعد از تولید، تا نحوه توزیع چنان شود که بتواند، نیازهای اساسی همگان را پاسخ دهد. در این زمینه، قرآن این مسؤولیت را به ما داده و حریحاً انسان را مسؤول بهره‌برداری از منابع قرار داده است. «انا ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» به موجب این آیه، همه

الشیطان یدکم الفقر و یمرکم بالفحشاء والله یدکم مغفرة منه و فضلا

بقره/۲۶۸

در باره مسأله فقر از دیدگاه تفکر اسلامی، در این گفتار، نکات زیر مورد بحث خواهد بود. نکته نخست آن که: در اندیشه اسلامی فقر را نشانی بر ناتوانی و کمبود بالقوه طبیعت باید گرفت یا آن را محصول ناسپاسی و بی‌کفایتی انسان در انجام تعهداتش باید دانست؟

آیا به عنوان مسلمان، طبیعت را عاجز از پذیرایی تمامی انسانها می‌دانیم یا در برابر مشاهده فقر، ادیمان و نواقمات اجتماعی حاکم را مقصر می‌بینیم؟

نکته دوم، بررسی نحوه رهبری پیامبر (ص) در برخورد با مسأله فقر و نکته سوم: بازبینی نحوه تأمین نیازمندی روزمره فقراى مدینه‌النبی خواهد بود. آخرین نکته: بررسی کلی نحوه برخورد حکومتها در تمدن اسلامی با مسأله فقر است.

یکی از اصول بسیار روشن جهان‌بینی اسلامی، این است که مسلمین همواره نظام خلقت را نظامی خردمندانه، تقدیر شده و غنی و هدف‌دار می‌دانند و آفرینش را بی‌کتاب و ناموزون و ناتوان نمی‌بینند. قرآن، صریحاً انسان را قرا می‌خواند تا چنانچه در نظام هستی، کسری و

پیامبران آمده‌اند تا کتاب و میزان را به مردم بیاموزند، تا مردم به قسط برخیزند. در بخش اقتصادی، باید چنان عمل کنند که منابع حیث و میل نشود (حیث منابع، یعنی: استفاده از آنها بدون کارایی، میل منابع، یعنی: توزیع غیرعادلانه امکانات و درآمد) استفاده بهینه از منابع به علم و تجربه نیازمند است. اهمیت علم در اسلام، تا حدی است که خداوند در اولین وحی به پیامبر، ارزش علم را به وی اعلام می‌دارد و در دور نزول قرآن پیوسته آن را تأیید می‌کند. لذا، پیامبر در مدینه از به کارگیری علم و تجربه دیگران، در جهت بهینه‌سازی روشهای زندگی لحظه‌ای غفلت نفرمود و طوری عمل نکرد که برای مسامانان این احساس پیش آید، که چون پیامبر در جمع آنهاست، مسلمانان احتیاج به معارف بشری ندارند. برعکس، در واقع، دانش‌اندوزی و استفاده از تجربیات دیگران، را واجب شرعی فرمود. سلمان یک مسلمان ایرانی که از یک تمدن بزرگتر آمده بود، روشها و مطالب جدیدی را به پیامبر و اطرافیان ایشان آموخت که مورد بهره‌برداری مسلمین قرار گرفت. اندیشمندان و انسانهای با تجربه، هرگز احساس نکردند که در مدینه به علت وجود پیامبر و کتاب خدا جایی برای آنها وجود ندارد. در نتیجه، بهره‌گیری هرچه بیشتر

ز دستاوردهای تجربی تمدن بشری، مورد استقبال مسلمین گردید.

اولین قدم، در راه از بین بردن فقر در صدر اسلام، سامان دادن به نظام تولید و توزیع بود. پیامبر این طرز تفکر را در مدت ۱۰ سال که در مدینه به سر می بردند، به دقت دنبال کردند. نکته بسیار مهمی که در این دوره در مدینه درخور اهمیت است؛ این است که، مهاجرانی که از مکه به مدینه فرار کرده بودند، به علت فرارشان اغلب چیزی به همراه نداشتند و گرسنه و بی پول وارد مدینه شده بودند. در مقابل آنها، انصار وضع اقتصادی بهتری داشتند. حال باید دید که پیامبر در زمان سازمان دهی جدید اقتصادی چگونه با این فقرا برخورد کردند، تا هم سیر شوند و هم بنده و اسیر قشر ثروتمند مدینه نشوند. این از نکات نوق العاده مهم است که در بررسی تفکر اسلامی بیامون فقر، باید در مورد آن دقت شود. در آغاز کار، انصار پیشنهاد کردند، که نصف مالشان را به مهاجران ببخشند. انصار، حاضر شدند، خانه هایشان را با مهاجران تقسیم کنند. پیامبر این گونه پیشنهادها را نپذیرفتند، حتی وقتی آنها ادویه دو با هم برادر کردند. پیامبر اسلام بعد از ساختن مسجد، خانه سازی برای مهاجرین را توسط مهاجرین شروع کردند و آنها را در کشاورزی، تجارت و فعالیتهای اقتصادی شریک نصار نمودند. لذا، نهادهای حقوقی، همچون: زارع، مسابقات و مضاربه و انواع شرکتها را شویق کردند، تا نیروی کار، در پی رفع نیاز مادی بویش، مزدگیر محض نماند.

بررسی سیاستگزاری اقتصادی پیامبر نشان می دهد که ایشان تمایل داشتند، نظام طوری سازماندهی شود که نیروی کار، صاحب سهم از ولید شود. مسأله بیکاری از طریق سازماندهی ولید و توزیع حل شد. در سازماندهی جدید، مهاجرین به مرور صاحب سهم در تولید شدند، نه ریافت کننده صدقات یا صاحب دستمزد محض. قر آنان باعث نشد که تحت حمایت یا استثمار صاحبان سرمایه در آیند، تا از گرسنگی نمیرند. از کارهای بسیار مهم دیگر این دوره، این است که

پیامبر اجازه نداد، گروهی از طریق وابستگی قدرت سیاسی، کسب قدرت اقتصادی کنند و بر تابع اقتصادی مردم مسلط شوند. بدین معنا که؛

پیامبر شکل های مختلف تسلط بر منابع، بازار و اموال را از طریق اعمال قدرت سیاسی، قدرت بدنی یا قدرت قبیله ای یا حیل های فردی، نامشروع دانستند.

توزیع منابع در مدینه النبی، براساس نزدیکی افراد به پیامبر نیز نبود. بلکه، براساس نوع تقسیم بندی اقتصادی بود، که هر کس به میزان کارش از منابع بهره می برد. این نحوه توزیع، در زمان خلیفه اول، ابوبکر، به مقیاس زیادی، اجرا می شد. در دوران خلافت عمر، این سیاست تا حدودی انحراف یافت. یعنی؛ در توزیع ثروت های ناشی از جنگ و فتوحات یک سری اولویت بندی به وجود آمد که باعث ایجاد اختلاف طبقاتی شد. عثمان، خلیفه سوم، توزیع منابع را براساس قومی و قبیله ای سازمان داد. البته دستگیری از فقیر و یتیم را فراموش نمی کردد است، توزیع ثروت و درآمد، طوری بود که سبب از دیاد ثروت یک گروه و فقر گروهی دیگر می شد. زمان حکومت حضرت علی (ع) فرا رسید. کار عظیم ایشان بازگرداندن این مسیر به شکل اسلامی آن بود و به مسأله توزیع عادلانه ثروت و از بین بردن اختلاف طبقاتی و از بین بردن اصولی فقر، توجه کامل شد. وقتی از حضرت علی خواستند، قبل از حکومت عثمان، خلیفه شود مشروط به این که علاوه بر تبعیت از سنت پیامبر به سنت خلفای قبل هم پایبند بماند. ایشان قبول نکردند و لذا، حکومت به عثمان واگذار شد. پس از خلیفه سوم، وقتی حضرت علی (ع) به سازماندهی توزیع ثروت همت گماشت، براساس یک بینش عدالتخواهانه عمل کرد. در بینش علی (ع) حتی قوم و قبیله و برادر خود او نیز، امتیازی بر دیگران نداشتند و سهمی ویژه نمی بردند. فعالیت اقتصادی در میدان عمل براساس لیاقت، تلاش و رقابت به وجود می آمد و از همین جا، اختلاف اصلی اشراف با علی (ع) شروع شد. آنها می گفتند: او می خواهد یک تازه مسلمان را با مهاجرین و انصار، سهم برابر دهد. سرانجام با مقاومت سرسختانه امیرالمؤمنین در برابر تبعیض طلبان، بینش علی و کلام گویای او در **«وانما یوتی خراب الارض من اعواز اهلها و انما بیوز اهلها لاشراف انقبض ابولاه علی الجمع»** (فرمان علی به مالک) پشتوانه تفکر اسلامی گشت.

خلاصه کلام آن که: پیامبر (ص) و پیروان

پیامبر اجازه نداد، گروهی از طریق وابستگی به قدرت سیاسی، کسب قدرت اقتصادی کنند و بر منابع اقتصادی مردم مسلط شوند. بدین معنا که؛ پیامبر شکل های مختلف تسلط بر منابع، بازار و اموال را از طریق اعمال قدرت سیاسی، قدرت بدنی یا قدرت قبیله ای یا حیل های فردی، نامشروع دانستند.

رسول اکرم، از یک طرف تولید و توزیع را چنان سازماندهی فرمود، تا فقر را از طریق تأمین رشد و توسعه و عدالت اجتماعی ریشه کن کند و از طرف دیگر، برای رفع نیاز سائلین و محرومین، بودجه مخصوص تعیین فرمود و مسلمین را بر انفاق، به معنای پرکردن خلا و تأمین نیاز، مسؤول نمود.

از زمان بنی امیه به بعد توزیع ناعادلانه منابع ثروت (و الزاماً نه تولید ملی) رفته رفته رسم حکومتها شد. قدرتمندان سیاسی، با بهره گیری از امتیازات ویژه و تصاحب امکانات تولیدی جامعه به ثروت کلان رسیدند و اختلاف طبقاتی که مقدمه شیوع بیماری اجتماعی فقر در کنار ثروت و کوخ در کنار کاخ است، ظهور نمود.

صدیق و آگاه او به نوعی سازماندهی اقتصادی همت گماشتند، که بینش و تفکر اسلامی را در برخورد با ایجاد اشتغال و تأمین استقلال اقتصادی و رشد و توسعه عادلانه نشان می‌دهد.

اما در مورد مسأله دیگر، یعنی: در برخورد با فقرا و مستمندان جامعه، آن بزرگواران چه می‌کردند؟ فقرای امت به دو دسته کلی، تقسیم می‌شده‌اند: سائلین و محرومین. سائل، علی‌الاصول، کسی است که؛ توان کار دارد، اما امکانات کار برایش فراهم نیست. مسکین یا محروم، کسی است که؛ از توان کار نیز برخوردار نیست. ممکن است، پیر و بیمار و ناقص‌الخلقه، در این گروه قرار گیرند. به طور کلی، منظور کسانی هستند که به اصطلاح قرآن، نمی‌توانند راه بیفتند و به دنبال کار مفید و مشروع (فضل الهی) بروند. مهاجرت نیز، بر ایشان مقدور نیست. به تعبیر علی علیه‌السلام، در فرمان به مالک اشتر الذین لایحیله لهم من المساکین و المحتاجین و اهل البیوتی و الزمنی، همه مؤمنین در برابر این گونه نیازمندان، مسؤلیت مشترک دارند. «وفی اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم» برخورد مشکل‌گشا، با مشکل این گروه، یک واجب کفایی است. از این دیدگاه، در اسلام منابع مالی مشخصی، مانند: صدقات، زکات و خمس، به عنوان حداقل ضرورتی، تعیین شده‌اند، تا هر فرد مسلمان سهمی از درآمد خود را (با توجه به ضوابط تعیین شده) به حل مشکل مالی فقرا، اختصاص دهد.

اگر چه، در نظام مالیاتی اسلامی، واژه مالیات تعبیر رسایی نیست، مالیاتها هر کدام به مصارف مخصوص، تخصیص یافته‌اند. مثلاً زکات و صدقات، عمدتاً به مصرف مبارزه با فقر می‌رسند. رسول اکرم، از یک طرف تولید و توزیع را چنان سازماندهی فرمود، تا فقر را از طریق تأمین رشد و توسعه و عدالت اجتماعی ریشه کن کند و از طرف دیگر، برای رفع نیاز سائلین و محرومین، بودجه مخصوص تعیین فرمود و مسلمین را بر انفاق، به معنای پرکردن خلا و تأمین نیاز، مسؤول نمود.

جالب این است که؛ در این مورد، آیات قرآن، روی سخن خداوند با امت است و نه صرفاً با دولت. مسلمانان، تک تک و جمعی، مسؤول هستند و در راه ادای این دین، باید خود را چنان سازماندهی کنند که به گونه‌ای کارآ و توانمند، از حداقل منابع،

حداکثر بهره‌برداری به عمل آید. دولت اسلامی نیز، بخشی از سازماندهی امت است که توسط امت، شکل می‌گیرد.

در تمدن اسلامی، از همان آغاز روحیه دستگیری از مستمندان، به طور مؤثری وجود داشته است و به نظر نمی‌رسد که این روحیه در بین اهل ایمان از بین رفتنی باشد.

محمدبن الحسن الشیبانی، از علمای قرن دوم هجری، است و تألیفات زیادی از آن جمله: کتابی به نام «الکسب» دارد. در این کتاب، او بحث جالبی درباره حقوق و تکالیف سائلین و محرومین دارد و تکدی را در حالات شرعی مختلف، از وقتی که حرام است تا مرحله‌ای که واجب شرعی است، تشریح می‌کند.

او حالات مختلف تکدی را از نظر حکم شرعی بیان و تجزیه و تحلیل می‌کند. از آن جمله، می‌گوید: وقتی فردی زندگی و سلامتی خود را در خطر می‌بیند، بر او واجب شرعی است که درخواست کمک کند. در این صورت او امر واجبی را به جا می‌آورد که در صورت تخلف، گناهکار محسوب می‌شود. شیبانی سپس نتیجه می‌گیرد، او که آغازکننده اعطای امر خداوند است، فضل از آن کسی است که، به او کمک می‌کند. ملاحظه پاسخ شیبانی به حالات مختلف مسأله مذکور و نیز، وجود احکام مفصل و مبسوط در مورد تأمین نیازهای ضروری، حتی تا مرحله مجاز بودن دزدی و اخذ به زور، نشانی گویا بر تفکر جامعه اسلامی نسبت به مستمندان است. فرد گرسنه اگر در حد تأمین غذای ضروری دزدی کند یا آن را به زور بستاند، چنانچه راه بهتری در پیش روی نداشته است، عمل او گناه محسوب نمی‌شود و دستگاه قضایی مسلمین، چنین فردی را مستوجب عقاب نمی‌دانسته است. حتی در مورد حیوانات نیز، حقوق مشخصی تعیین شده است، که به موجب آنها، حفظ جان یک حیوان اهلی، واجب است، حتی به قیمت سرقت غذا یا اخذ آن به زور. بیهوده نیست که، وقتی ابوذر فقر را مشاهده می‌کند، تعجب می‌کند، از کسی که در خانه‌اش غذایی نمی‌یابد و یا شمشیر، حق خود را باز نمی‌ستاند. باری، در اسلام بر گرفتاران واجب است که به هر طریق ممکن، تأمین نیاز کنند و بر مسلمین نیز واجب شرعی است که از مستمندان رفع نیاز کنند.

از دیر باز، در تمدن اسلامی، پیرامون خط فقر و انواع حقوق مستمندان و تکالیف جامعه نسبت به آنان، مباحث مفصلی مطرح بوده است. مثلاً حد تأمین نیاز برای یک گرسنه از راه رسیده، سیر کردن او است، تا فرصت بیاید که به دنبال کسب رزق برود. برای سائل که ابزار کار می‌خواهد، فراهم آوری امکانات کار حد مسؤلیت جامعه را مشخص می‌کند. برای یک مسکین که توان کار ندارد، تأمین یک زندگی آبرومند، آن هم در حد معمول افراد هم سطح او، بر جامعه فرض و واجب است. برای یک ورشکسته، ادای دین و برای یک بلازده جبران خسارت مطرح بوده است. بر جامعه اسلامی تأمین این گونه نیازها واجب کفایی است و در اموال مؤمنین حق معمولی جهت تخصیص در این گونه امور است. مسأله وجوب مطرح است و نه صرفاً توصیه و تقاضا. زکات که عمدتاً در رفع این گونه نیازها مصرف می‌شود، جهت پاک کردن مال از حق جامعه تفسیر شده است.

به این ترتیب، رسول اکرم در مدینه‌النبی، از یک سو، تولید و توزیع را چنان سامان داد تا رشد و توسعه را توأم با تأمین عدالت اجتماعی تأمین کند و از سوی دیگر، جامعه را در تأمین نیازمندیهای مساکین مکلف فرمود.

در آن ایام و در آغاز حرکت اسلامی مهاجرت به مدینه و جنگهای پی‌درپی، امت نوبنیاد و کوچک مسلمان را با مستمندان سائل و محروم مواجه می‌نمود، اما قرآن از برکت نظام اسلامی، مژده می‌داد و فقر و فحشاء را حاصل تدابیر شیطانی و رفاه عمومی و امنیت و سلامت را حاصل پیروی از اسلام می‌دانست. الشیطان یعدکم الفقر و یامرکم بالفحشاء... در جای دیگر قرآن می‌خوانیم که؛ انما یامرکم بالسوء و الفحشاء و ان تقولوا علی‌الله ما لا تعلمون (بقره ۱۶۹). مقایسه این دو آیه نشان می‌دهد که، در تفکر اسلامی فقر به عنوان یکی از انواع پلیدی و زشتی (سوء) همپای فحشاء و جهل ریشه شیطانی دارد. در مقابل این مسأله، استقلال اقتصادی و رفاه زندگی را خداوند برای مسلمین با نام فضل ارج می‌نهد و آن را حاصل پیروی از اسلام می‌داند.

به نظر می‌رسد، در همین ارتباط است که، خداوند به جوانان و پدران فقیر صدر اسلام، وعده برکت و تأمین اقتصادی می‌دهد و به آنان مژده

۸۷ اهمیت و نقش شیر در الگوی تغذیه، تشکیل یک مؤسسه دانشگاهی را در این زمینه، در آینده، ضروری می‌سازد.

۸۸ در فرآیند تأمین شیر مورد نیاز جامعه در ۲۵ سال آینده، به مسائل مدیریت، تغذیه و بهداشت و عوامل ژنتیکی باید بیش از گذشته توجه شود.

#### ● صنایع تبدیلی و تکمیلی

۸۹ ایجاد و توسعه صنایع پیشین و پسین محصولات کشاورزی و هماهنگی و برنامه‌ریزی آن با راهبرد بخش کشاورزی و نظام تولید، از ضروریات و زیربناهای اصلی استقرار امنیت غذایی در آینده به شمار می‌رود.

#### ● علوفه

۹۰ تحقق مدیریت صحیح در مراتع، تولید

علوفه را در آینده بیش از ۳ برابر خواهد نمود.

۹۱ کاهش دام در مراتع، در کوتاه مدت، می‌تواند تولید گوشت قرمز را کم نماید و در بلند مدت، پتانسیل‌های تولید را افزایش دهد.

۹۲ آموزش عمومی مردم، نقش اساسی در حفظ، احیا و بهره‌برداری بهینه از پتانسیل موجود دارد.

۹۳ تهیه دان و ذرت همچون گندم باید در برنامه‌های بخش کشاورزی قرار گیرد.

۹۴ توسعه پایدار محیط به منظور تولید علوفه، می‌باید در یک برنامه هماهنگ تولید گوشت و علوفه انجام پذیرد.

#### ■ راهبرد تولید پروتئین حیوانی

۹۵ ضرورت تولید گوشت مرغ و گوشت قرمز مورد نیاز در ۲۵ سال آینده، قطعی است.

۹۶ جلوگیری از ضایعات در بخش تولید و مصرف گوشت در ۲۵ سال آینده ضروری است.

۹۷ استفاده و بهره‌برداری از نیروی انسانی ماهر در بخش‌های مختلف تولید گوشت، شیر، مرغ و تخم مرغ و ماهی در ۲۵ سال آینده ضروری است.

۹۸ در فرآیند ۲۵ سال آینده، تأمین مواد اولیه در داخل کشور برای تولید پروتئین حیوانی ضروری است.

۹۹ برنامه‌ریزی منسجم در تولید گوشت و پروتئین حیوانی و تعیین سهم هر یک از آنها در ۲۵ سال آینده ضروری است.

۱۰۰ تعیین وظیفه بخش کشاورزی در اقتصاد کشور به طور جدی و وظیفه‌مند نمودن صنعت و خدمات در قبال کشاورزی و توسعه روستایی، از مهمات و اصول اساسی ایجاد امنیت غذایی در ۲۵ سال آینده به شمار می‌رود.

بقیه از صفحه ۵

می‌دهد که از فقر نترسند و دست از ازدواج و پرورش فرزند برندارند، که در پناه پیروی از اسلام از توانایی مالی بهره‌مند می‌شوند و مزروق خداوند می‌گردند. نحن نرزقکم و ایاهم.

آخرین بحث مورد بررسی، نحوه برخورد حکومت از بنی‌امیه به بعد، با مسأله فقر است. از زمان بنی‌امیه به بعد، توزیع نا عادلانه منابع ثروت (و الزاماً نه تولید ملی) رفته رفته رسم حکومتها شد. قدرتمندان سیاسی، با بهره‌گیری از امتیازات ویژه و تصاحب امکانات تولیدی جامعه به ثروت کلان رسیدند و اختلاف طبقاتی که مقدمه شیوع بیماری اجتماعی فقر در کنار ثروت و کوخ در کنار کاخ است، ظهور نمود.

در چنین شرایطی، آنچه عملاً از جانب حکومتها و ثروتمندان جامعه دنبال می‌شد، برخورد با فقرا و مساکین از طریق اطعام و بذل و بخشش بود. بخشش از بیت‌المال مسلمین یا حتی از درآمد شخصی. به طور مثال: روش معاویه این بود که از یک طرف منابع ثروت را در اختیار یاران و نزدیکان خود می‌گذارد و از طرف دیگر، از کیسه بیت‌المال به فقرا می‌بخشید. بذل و بخشش (این گونه شخصیتها)، که خود فقر آفرینی می‌کنند و یا کلون اموال الناس بالیاطل، در واقع وسایل

تولید مسکین اجتماعی آنان است. تا در بین اقشار آسیب خورده جامعه نفوذ کنند و جای ناهنجاری و اختلالات سیاسی را بگیرند. نکته مهم این است که، در میدان فقیرنوازی و انعام مساکین، دولت‌مردان ثروتمند متجاوز، بیش از مؤمنین مخلص، توان بذل و بخشش می‌داشتند. بی حساب در می‌آوردند و به مصلحت حفذاً نظام حاکم، از بیت‌المال و از مال شخصی فراوان می‌بخشیدند. اما علی (ع) و پیروان صدیق او به حساب در می‌آوردند و به حساب می‌بخشیدند. در نتیجه، در میدان رقابت با امثال معاویه دچار اشکال می‌شدند.

خلاصه کلام آن که: در یک نظام اجتماعی و اسلامی سالم، با فقر از هر دو طریق، تولید و توزیع بهینه، عادلانه برخورد می‌شود.

در بینش پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) نظام اقتصادی جامعه باید چنان سازماندهی شود که تولید و توزیع بهینه و عادلانه را مقدور سازد، تا فقر همراه با توسعه اقتصادی ریشه کن شود.

در چنین شرایطی است که توجه فوق‌العاده قوی و انسانی اسلام به دستگیری از مستمندان و ایتمام و محرومین در سرعت حل مشکل می‌افزاید و جامعه را از عطفوت و رافت نیز سرشار می‌سازد.

بقیه از صفحه ۶۳

طرح هادی و اجرای ۶۳۵ پروژه بهسازی، تأمین آب آشامیدنی در ۵۰۱۲ روستا، برقرسانی به ۵۴۴۷ روستا بوده است.

قسمت پنجم از سلسله گزارشات ارزیابی عملکرد وزارت جهاد سازندگی را چنانکه در همین شماره ملاحظه می‌فرمائید، به ارزیابی عملکرد زیربخش‌های صنایع روستایی و امور عشایری اختصاص یافته است. میزان سرمایه‌گذاری در زیربخش صنایع روستایی حدود ۱۲۳ میلیارد ریال بوده است که این میزان ۲ درصد بیشتر از هدف پیش‌بینی شده می‌باشد. عمده‌ترین عملکرد هدف کمی در این زیربخش، تکمیل و ایجاد ۳۴ ناحیه صنعتی بوده است.

در زیربخش امور عشایری ۳۵/۵۹۲ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری صورت گرفته است، که معادل ۹۲ درصد از هدف پیش‌بینی شده می‌باشد. عمده‌ترین اهداف آن در قالب طرح‌های مربوط به دام، منابع طبیعی، امور عمرانی و زیربنایی قابل تفکیک می‌باشد که به ترتیب در جداول شماره ۴، ۵، ۶ این شماره ملاحظه می‌فرمائید.